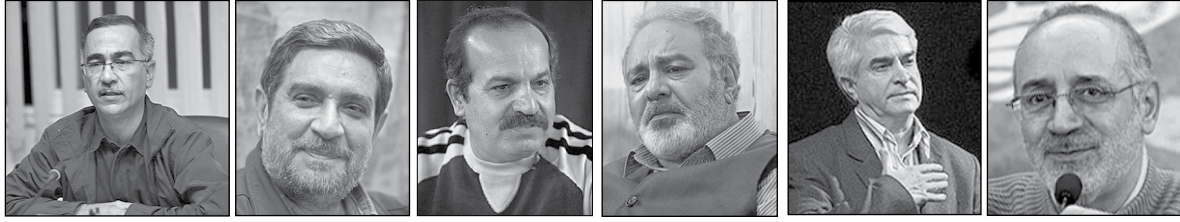




سلسشور (فیلمساز) علی نصیریان (بازیگر) مجید مجیدی (فیلمساز) شهید آوینی (فیلمساز) جواد اردکانی (فیلمساز)



مهدی فقیه (بازیگر) پروانه معصومی (بازیگر) جهانگیر الماسی (فیلمساز) داود میرباقری (فیلمساز) پرویز شیخ طادی (فیلمساز) شهریار بحرانی (فیلمساز)



محمد کاسبی (بازیگر) رسول ملاقلی پور (فیلمساز) جلال شوریجه (فیلمساز) یدالله صمدی (فیلمساز)

نگاهی به سریال

«شور شیرین»

به کارگردانی

جواد اردکانی

عاشقانه از کردستان

■ حسین کارگر

«شور شیرین» که پیش از این در قالب فیلم سینمایی روی پرده سینماها رفته بود، این بار به صورت یک سریال و با پخش صحنه‌های جدید روی آنتن شبکه یک سیما رفته است. این سریال، به مبارزات سردار شهید محمود کاوه در کردستان می‌پردازد. صحنه‌های جنگ‌های شهری، از جمله صحنه‌هایی است که در نسخه سینمایی «شور شیرین» نبود اما در نسخه سریالی آن می‌توان دید. جواد اردکانی حالا دیگر نام خود را به عنوان کارگردانی مختص و متخصص تولید اثری از درباره سرداران شهید

ثبت کرده است. چند سال پیش «به کیبودی یاس» با موضوع دلآوری‌های شهید برونسی و این بار «شور شیرین» با موضوع شهید کاوه. شاید حتی نام شهید کاوه را هم نشنیده بودند، اما حالا به واسطه این فیلم حداقل این را فهمیده‌اند که کردستان عزیز ما و مردمش مدیون کاوه و جنگ در سینما می‌دهد.

ساخته شده، خود بخود توجه بخشی از جامعه را به سمت این شهدا جلب می‌کند. پیش از این بسیاری از اهالی رسانه و سینمایی‌های جامعه‌ما با دیدن فیلم‌هایی بهتر و قابل توجه‌تر را درباره بزرگان جبهه و جنگ در سینما می‌دیدند.

ساخت فیلم و سریال درباره قهرمانان انقلاب و دفاع مقدس و به ویژه شهدا از دو جنبه دارای اهمیت و فایده است؛ زندگی و مبارزات این اسوه‌ها دارای قابلیت‌های نمایشی و دراماتیک بسیار بالا

و والایی است و هم این که انعکاس این موضوع در سینما و به خصوص تلویزیون تأثیر بسیار مثبتی بر جامعه خواهد داشت. زیرا شهدای انقلاب و دفاع مقدس الگوهای بسیار مناسبی برای مردم و جوانان هستند. با این حال در سینما فقط دو سه فیلم بر مبنای زندگی شهدای انقلاب و دفاع مقدس ساخته شده است و در تلویزیون نیز اوضاع بهتر از این نیست.

«شور شیرین» یکی از خط‌شکنی‌های جسورانه در یک فضای محافظه‌کار در این میدان هنری و تکنیکی نیز یک کار

مستوسط نسبتاً خوب محسوب می‌شود، اما در موقعیت اسطوره شکنی یک دهه اخیر سینمای ایران و تلاش عده‌ای برای تبدیل کردن فیلم‌های دفاع مقدس الگوهای بسیار مناسبی برای مردم و جوانان هستند. با این حال در سینما فقط دو سه فیلم بر مبنای زندگی شهدای انقلاب و دفاع مقدس ساخته شده است و در تلویزیون نیز اوضاع بهتر از این نیست.

ساخته شده، خود بخود توجه بخشی از جامعه را به سمت این شهدا جلب می‌کند. پیش از این بسیاری از اهالی رسانه و سینمایی‌های جامعه‌ما با دیدن فیلم‌هایی بهتر و قابل توجه‌تر را درباره بزرگان جبهه و جنگ در سینما می‌دیدند.

حیات جامعه اسلامی و مسئله نفوذ فرهنگی

جریان نشر و ترجمه کتاب پس از انقلاب اسلامی و با نفوذ جریان شبه روشنفکری به ویژه از نیمه دوم دهه ۶۰ در مسیر ترویج مشهورات علوم انسانی و اندیشه متفکران سکولار غرب رفت، این نفوذ که خود را با پخش صحنه‌های جدید روی آنتن شبکه یک سیما رفته است. این سریال، به مبارزات سردار شهید محمود کاوه در کردستان می‌پردازد. صحنه‌های جنگ‌های شهری، از جمله صحنه‌هایی است که در نسخه سینمایی «شور شیرین» نبود اما در نسخه سریالی آن می‌توان دید. جواد اردکانی حالا دیگر نام خود را به عنوان کارگردانی مختص و متخصص تولید اثری از درباره سرداران شهید

سینما یکی از اصلی ابزارهای در خدمت سرمایه‌داری جهانی است. اشخاصی که در زمان مظفرالدین شاه موجب ظهور سینما در ایران شدند و اساساً اولین تشک‌های شبه صنفی ساخت فیلم و سینماداری را تشکیل دادند خود دارای هویت‌هایی مشکوک بودند. به عنوان مثال شخصیتی چون آوانس اوگانیس که یک مهاجر روس بود نقش بسیار مهمی در شکل‌گیری مناسبات اولیه ساخت فیلم و نمایش آن در ایران داشت. او حقیقتاً چهارمی رموز و نشانه‌ها بود که بسیاری همچون محمد تهامی نژاد معتقدند که او روابط نزدیکی با کانون‌های مخفی صهیونیستی داشت. و با شخصیتی چون علی وکیلی از تاجران ثروتمند که با لژهای ماسونی چون لژ رتاری ارتباط نزدیکی داشت. از طرفی سعید نفیسی که خود روابط نزدیکی با سفارت رژیم صهیونیستی در ایران داشت و در سال ۱۳۳۶ از طریق مشیر عزری سفیر این رژیم اشغالگر در ایران، به فلسطین سفر کرد. این اشخاص هیچ یک دانش ویژه‌ای در زمینه سینما نداشتند اما نقطه اولیه سینمای ایران که در کمپانی‌های چندملیتی هندی شکل گرفت مبدل به وسیله‌ای شد در جهت ترویج نوعی غرب‌زدگی جنسی که اصلی‌ترین اهداف آن رواج تفکرات ضدشعبی بود. این نوع سینما تا زمان پیروزی انقلاب اسلامی به حیات خود ادامه داد. در کنار آن نوعی ایرانی موج نو که عمدتاً متأثر از موج نو سینمایی فرانسه بود شکل گرفت که دستاوردی جز اشاعه تصویری منفعل و سوداوازه از جامعه نداشت. پس از انقلاب اسلامی نیز متأسفانه هیچ زان و یا جریان مستمر و ثابتی که سخن‌گوی جریان انقلاب باشد شکل نگرفت. تنها پس از پایان دوران جنگ تحمیلی، نوعی شبه ژانر به نام سینمای دفاع مقدس ظهور نمود که چند فیلم موثر را با خود همراه داشت اما این جریان نیز پس از مدتی رو به افول نهاد و با گرایشات ژانر جنگی سینمای غرب در هم آمیخت. سینمای امروز ایران هیچ‌گونه قربانی با جریان اصیل شیعی و گفت‌وگو انقلاب اسلامی ندارد. اگر چند اثر شاخص را کنار بگذاریم و به جریان اصلی سینما در ایران نگاه کنیم می‌توانیم پررنگ‌ترین گرایشات شبه‌روشنفکرانه را نیز در آن دریابیم که عمدتاً مقلد و شیفته سینمای غرب است. دلیل عمده این وضعیت، ورود یک جریان انحصاری صاحب سرمایه در تولید و نمایش فیلم است که با تأمین نمودن هزینه ساخت یک فیلم و نجات دادن مسئولان خواب‌زده سینمایی به ویژه در دولت کارگزاران سازندگی و اصلاحات اجازه یافت تا هر محتوایی که باب میلش است را در آثار خود بگنجاند و لذا جریان سینمایی انقلاب اسلامی را به حاشیه براند.

در این میان قدرت‌گیری و نفوذ رسانه‌های فارسی‌زبان غربی بسیار قابل توجه و مهم است. فرهنگ انقلاب اسلامی که با سیاست‌های اشتباه دولت سازندگی منزوی شد و به جای آن اشرافی‌گری و صورتی استعلا یافته از اسلام انقلابی جایگزین شد (اسلامی که منافاتی با سرمایه‌داری و اشرافی‌گری ندارد) حالا باید به مقابله با رسانه‌های فارسی‌زبان عمدتاً انگلیسی و آمریکایی بپردازد. آسیب‌شناسی جریان فرهنگی و تحلیل و رسید نحوه عملکرد رسانه‌های غربی در مواجهه با ایران گرچه حائز اهمیت است اما در این میان نباید تنها وجه سلبی زده و جمله‌ای گفته بود که شاید وضعیت امروز نشر کتاب را به خوبی بیان می‌کند. نراقی گفته بود «مقدور کتاب‌های فراماسونری در ایران زیاد شده است»

حوزه کتاب

می‌گویند احسان تراقی در سالهای پیش از مرگش در سفری به ایران سری به کتاب فروشی‌ها زده و جمله‌ای گفته بود که شاید وضعیت امروز نشر کتاب را به خوبی بیان می‌کند. نراقی گفته بود «مقدور کتاب‌های فراماسونری در ایران زیاد شده است»

ادامه دارد

بهتر نبود از خانواده دیپلمات‌های شهید که این روز حقا وانصافا متعلق به آنان است در جلسه گرامیداشت که به بهانه این عزیزان انجام می‌شود، اما یاد و نامی از آنها برده نمی‌شود، حداقل از خانواده‌های شهدا دعوتی به عمل می‌آمد؟» حسن برزیده کارگردان فیلم «مزار شریف» هم در دیدار با خانم روزبهانی همسر شهید محمود صارمی، خبرنگاری که در جریان حمله طالبان به کنسولگری ایران به شهادت رسید، گفته بود: «آقای حسن روحانی که آن زمان دبیر شورای عالی امنیت ملی بود تا امروز که رئیس‌جمهور است تا سایر مسئولان، باید حداقل از خانواده‌های شهدای مزار شریف عذرخواهی کنند و دیه و غرامت را پرداخت کنند. حادثه مزار شریف یک بخش مهمی از تاریخ معاصر ایران است و از ابتدا انگیزه اصلی ساخت فیلم برای من این بود که درباره این حادثه سوال ایجاد شود و مشخص شود که دلیل این اتفاق چه بود تا گروهی که در زمان این واقعه مسئولیت داشتند درباره این حادثه جواب بدهند.»

پس از گذشت ۱۷ سال، ساخت فیلم «مزار شریف» ادای دینی است به شهدای آن واقعه.

افشاگر و خوش‌ساخت

نکته قابل تأمل درباره این

پرونده مختصری برای فیلم «مزار شریف»

تاریخ بایکوت شده



از آن آمده بود: «هر سال در هفدهم مرداد از هشت شهید دیپلمات واقعه مزارشریف هیچ یاد و نامی در رسانه‌های عمومی نمی‌بینیم. یکی از مهم‌ترین دلایل این بی‌توجهی به بیان واقعیت‌های فاجعه مزار شریف

و چگونگی ونحوه شهادت مظلومانه وغریبه‌ها دیپلمات‌ها است که از آن سخنی به میان نیامده است، اما مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) با درایت به مظلومیت شهدای دیپلمات

عزای عمومی اعلام نمودند. جناب آقای دکتر ظریف از حضرتعالی به عنوان وزیر محترم وزارتخانه‌ای که متولی سیاست خارجی کشور و حامی دیپلمات‌های ایران می‌بایست

بشود، این سوال را داریم که آیا

از آن آمده بود: «هر سال در هفدهم مرداد از هشت شهید دیپلمات واقعه مزارشریف هیچ یاد و نامی در رسانه‌های عمومی نمی‌بینیم. یکی از مهم‌ترین دلایل این بی‌توجهی به بیان واقعیت‌های فاجعه مزار شریف

کسی را مورد تمسخر قرار نمی‌دهند و قومیتی هدف سخنان خنده‌دار آنها قرار نمی‌گیرد، حتی به بهانه نقد اجتماعی نیز شاهد استهزاء طبقه یا گروهی از اعضای جامعه نیستیم و این مهم‌ترین ویژگی برنامه هنری است که این شب‌ها از شبکه تلویزیونی «سسیم» به روی آنتن می‌رود و از قضا در سری دوم مورد اقبال مخاطبان قرار گرفته و توانسته نگاه‌های زیادی را به خود جلب کند. «خندوانه»، مردم را با ساده‌ترین مسائل که شاید در طول روز بی‌توجه از کنار آن عبور می‌کنند به خنده و می‌دارد. این ویژگی مهم برنامه‌ای است که همه با نام رامید جوان آن را می‌شناسند و شاید گفتن آن به گراف نباشد که یک خندوانه است و یک رامید جوان.

در این برنامه کم‌دین‌ها یا بهتر است فارسی را پاس بداریم و بگوییم خنداندند یا طناب‌ها با استفاده از لحن، بدن و توانایی‌هایی که در آنها وجود دارد مسائل را برای بینندگان به گونه‌ای روایت می‌کنند که خنده‌دار به نظر می‌رسد و برای لفظاتی خنده بر لب‌های مخاطبان این برنامه می‌نشانند.

در برنامه خندوانه که این روزها نقل صحبت‌ها شده و اغلب از آن سخن

می‌گویند نوع نگاه به طنز و زاویه نگارش به این مقوله در حال تغییر است و در این برنامه شاهد آن هستیم که یک نگارش مثبت به مقوله خنداندن ایجاد شده است. در این برنامه نشان داده می‌شود که می‌توان خنداند بدون اینکه به کسی اشاره کرد و همچنین می‌توان خندید بدون اینکه کسی را آماج سخنان و تکه‌های بعضاً توهین آمیز خود کنیم.

خندوانه و دست اندرکاران تولید این برنامه در واقع در حال ایجاد یک فرهنگ مثبت هستند. اقدامی که بسیار نیاز بوده و این بار این برنامه تلویزیونی به طرز صریحی به یک مسئله ورود کند حتما تأثیر گذار خواهد بود و مخاطبان همان فرهنگ اخلاقی است که این برنامه در حال رقم زدن آن است و از این باب باید به تولیدکنندگان آن دست مبارزاد گفت.

نکته‌ای که باید مورد توجه قرار بگیرد ضرب نفوذ رسانه ملی در امور اجتماعی و فرهنگی است و این بار نیز با خندوانه ثابت شد که اگر رسانه ملی به طرز صحیحی به یک مسئله ورود کند حتما تأثیر گذار خواهد بود و مخاطبان نسبت به آن واکنش مثبت نشان می‌دهند. پس خالی از وجه نیست که رسانه



تمرین خنده حلال

■ حسام آبنوس

ملی در سایر شئون نیز با مطالعه و دقت اقدامی متناسب باشد تا میدان عمل از دست رسانه ملی خارج نشود و مجبور به عملیات‌های ناگهانی نشود. حال این شبهه «خندوانه» با خنداندن مخاطبان و بینندگان خود در حال ترویج فرهنگ «خنده حلال» است و این مسئله قابل تأمل بوده و می‌طلبد تا کارشناسان رسانه ملی نسبت به باز تولید برنامه‌هایی چون «خندوانه» در سایر حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی و حتی سیاسی و اقتصادی نیز برنامه‌ریزی متناسب داشته باشند تا در هر زمینه‌ای روش صحیح به مخاطبان آموزش داده شود. «خنده حلال» مولفه‌ای است که در جامعه اسلامی باید مورد توجه قرار گیرد و تا پیش از این در جامعه ما کمتر مورد توجه بوده و اینک شاهدیم که این فرهنگ از طریق «خندوانه» در حال تزییق به جامعه است و این جای تشکر و قدردانی دارد که رسانه ملی در این امر ورود مثبتی داشته است. خنده یکی از انواع نیازهای روح است و همانطور که بدن جسمانی نیاز به خوردن غذای پاکیزه دارد روح انسان نیز نیازمند تغذیه از غذای روحی طیب و طاهر است و خندیدن به مسائل روزمره بدون اشاره به فرد یا قومیتی از دسته «خنده حلال» به شمار می‌رود.